وزنه‌برداری

وحید صابری

اوضاع آشفته و نگاه‌های نگران

اعتماد حلقه مفقود وزنه‌برداری!

۱۵ماه پس از المپیک لندن مشکلات اخراجی‌های وزنه‌برداری با کادر فنی همچنان حل نشده هر چند اتفاقاتی رقم خورد که آنها کمی به تیم ملی نزدیک شوند اما هنوز مسائلی هست؛ مسائلی که بهداد سلیمی را برای قبول دعوت به تیم ملی با تردید روبه‌رو ساخته است، البته مناظره‌های تلویزیونی و وساطت‌ها بی‌تأثیر نبوده و دو طرف تا حدودی از مواضع خود کوتاه آمده‌اند و راغبند تا هرچه سریع‌تر مشکلات را برطرف کنند. آغاز رقابت‌های وزنه‌برداری باشگاهی و درخشش بهداد سلیمی باعث شد تا نگاه‌ها دوباره معطوف او شود؛ او که حالا بیشتر از همیشه مایل به بازگشت است و می‌خواهد عناوین از دست رفته ملی را دوباره برای ایران پس بگیرد. این در حالی است که گفت‌وگوهای اخیر سلیمی با خبرگزاری‌ها نشان می‌دهد که اختلافات نه تنها حل نشده بلکه عملی نشدن برخی وعده و وعیدها بر قوت آنها نیز افزوده است.

■ عدم اعتماد به رضازاده

اختلاف‌ها تا حدی است که سلیمی را همچنان مردد نگاه داشته هرچند سعی می‌کند اوضاع را آرام نشان دهد. سلیمی می‌داند این آخرین فرصت بازگشت است اما حرف‌های او نشان از چیز دیگری دارد. او می‌گوید که رضازاده قول‌هایی داده است که این برای ما بسیار مهم است. البته ما هم به واسطه آن قول‌ها خیلی از مواضع‌مان کوتاه آمده‌ایم و فکر می‌کنم اکنون وقت آن است که باتوجه به این که یک ماهی از آن موضوع گذشته است، رضازاده تمام وعده‌هایی را که داده بود، عملی کند. از حرف‌های سلیمی می‌توان به این نتیجه رسید که او هنوز به رضازاده اعتماد ندارد، او قول‌هایی گرفته که هنوز عملی نشده‌اند پس چگونه می‌تواند اعتماد نماید؟ این سؤالی است که قوی‌ترین مرد جهان این روزها از خود می‌پرسد. سلیمی دلش برای تیم‌ملی تنگ شده اما نمی‌تواند به راحتی بازگردد.

■ مشکل با کادرفنی

استعفای باقری و عدم‌پذیرش رضازاده قطعاً مهم‌ترین مشکل رودرروی سلیمی و المپیکی‌هاست چراکه آنها به باقری اعتماد ندارند و این را می‌شود از صحبت‌های سلیمی فهمید. او در گفت‌وگویی با ایسنا گفته بود: «مولایی وزنه‌بردار خوبی است و در رقابت‌های جهانی هم وزنه‌های خوبی را زد ولی با اینکه او وزنه‌های خوبی را بالای سر برد اما عنوان قوی‌ترین مرد جهان از ایران رفت، در حالی که این اتفاق می‌توانست با درایت و مدیریت روی ندهد. به هر حال باید این موارد مدیریت می‌شد که نشد.»

سلیمی از مدیریت و نداشتن درایت صحبت می‌کند و این نیست مگر ضعفی که او معتقد است از کادرفنی تیم‌ملی نشأت می‌گیرد. بهداد سلیمی کادرفنی و ضعف مدیریت آن را علت اصلی نتیجه نه چندان مطلوب تیم‌ملی می‌داند و این یعنی اینکه او همچنان با باقری مشکل دارد در حالی که رضازاده سفت و سخت پای سرمربی تیم‌ملی ایستاده همین مسئله باعث می‌شود تا زیاد نتوان به آینده و بازگشت المپیکی‌ها امیدوار بود.

■ تردید، تردید و باز هم تردید

شرایط موجود کاملاً پیچیده است، هیچ چیز را نمی‌توان به صورت قطعی عنوان کرد و همین مسئله باعث شده تا حتی اگر یکی از دو طرف نیز مایل به همکاری باشند با تردید روبه‌رو شوند. آنچه واقعیت دارد این است که هیچ چیز عوض نشده و تنها یکسری وعده و وعید از سوی دو طرف داده شده است.

صحبت‌های اخیر رضازاده هم معادلات را پیچیده‌تر کرده وقتی می‌گوید: «در حال بررسی هستیم تا راهکاری بیندیشیم که هم المپیکی‌ها و هم باقری را با هم در اردوهای تیم‌ملی داشته باشیم چراکه سال آینده سال حساس و سرنوشت‌سازی برای وزنه‌برداری محسوب می‌شود.

ما اصرار داریم که باقری برگردد چراکه در چهار سال اخیر او موفق بوده به هر حال ما باید به مسائل به صورت ملی نگاه کنیم. امیدوارم با حضور هر دو طرف در مسابقات پیش رو نیز مثل چند سال اخیر موفق عمل کنیم.»

مشخص است که رضازاده حاضر به از دست دادن هیچ کدام از دو طرف دعوا نیست. او بار قبل سمت سرمربی تیم را گرفت و نتیجه آن شد ولی هنوز معلوم نیست که این‌بار به کدام طرف متمایل می‌شود این سؤالی است که باید منتظر پاسخ آن باشیم؛ پاسخی که شاید به سود وزنه‌برداری تمام شود. البته دیروز خبری روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت مبنی بر اینکه حسین توکلی به‌عنوان سرمربی تیم‌های نوجوانان و جوانان انتخاب شد، خبری که با توجه به استقبال کوروش باقری از این انتخاب، نوید روزهای بهتری را در وزنه‌برداری می‌دهد.

گفت‌وگوی «جوان» با سنگربان تیم‌ملی فوتبال ساحلی ایران

حسینی: امیدوارم خیلی زود ما را فراموش نکنند

گفت‌وگو

دنیا حیدری

شاهکار؛ این بهترین تعریف از عملکرد تیم‌ملی فوتبال ساحلی است. تیمی که با شکست قدرت‌های اول دنیا، بر بام جهان ایستاد. آن هم با دست خالی. با بازیکنانی که به قول حسینی، به ماشین و پاداش فکر نمی‌کردند و تنها فکرشان شاد کردن دل مردم بود و برافراشتن پرچم ایران بر بام جهان. بازیکنانی که شاید تصورش را هم نمی‌کردیم بتوانند اینگونه افتخارآفرینی کنند. قهرمانی تیم‌ملی فوتبال ساحلی در رقابت‌های قهرمانان قاره‌ها اما یک طرف، حرکات دیدنی و گلزنی‌های گلر این تیم یک طرف. دروازه‌بانی که ناخودآگاه خیلی‌ها را یاد احمدرضا عابدزاده می‌انداخت که همیشه در بازی سعی می‌کرد با حرکات خاص خود، به هم تیمی‌هایش روحیه دهد.

چه شد از بین آن همه رشته ورزشی به فوتبال ساحلی روی آوردید؟

البته من با کاراته به دنیای ورزش وارد شدم. آن هم از هفت سالگی. کمربند مشکی و دان این رشته را هم دارم اما به این ورزش علاقه‌ای نداشتم و عاشق فوتبال بودم. به همین دلیل از سال ۷۸ در حالی که ۱۶ سال داشتم به تیم جوانان شموشک نوشهر پیوستم و بعد از آن در امیدها و بزرگسالان این تیم در لیگ یک و لیگ برتر هم بازی کردم. یک بار تیم‌ملی فوتبال ساحلی به نوشهر آمده بود. ما بچه‌های نوشهر هم یک تیم شدیم و به اسم ملوان برابر این تیم یک بازی دوستانه انجام دادیم. بعد از آن بازی بود که فرشاد فلاحت‌زاده از بازی من خوشش آمد و مرا به طور موقت به تیم‌ملی فوتبال ساحلی دعوت کرد و از سال ۸۸ به فوتبال ساحلی روی آوردم.

پس یعنی اینکه بچه شمال بودی و دسترسی‌ات به ساحل آسان‌تر از دیگران بود باعث حضورت در رشته ورزشی فوتبال ساحلی نشد!

نه، اتفاقاً این مسئله خیلی به من کمک کرد. من هم مثل همه بچه‌های شمال تمرینات زیادی در ساحل انجام می‌دادم. حتی زمانی که در چمن بازی می‌کردم. به همین دلیل وقتی وارد لیگ فوتبال ساحلی شدم خیلی راحت‌تر کار کردم چون سابقه بازی در ساحل را از بچگی داشتم.

و حالا به عنوان یکی از لژیونرهای این رشته هستید

بله من امسال در لیگ فوتبال ساحلی بلاروس بازی کردم و با تیم انرگو بلاروس به عنوان نایب قهرمانی رسیدم.

گفتی فلاحت‌زاده به طور موقت به تیم‌ملی دعوتت کرد اما حالا یکی از نفرات اصلی و ثابت تیم‌ملی هستی.

بله، فرشاد فلاحت‌زاده به طور موقت مرا به تیم‌ملی دعوت کرد اما باعث شد پایم به دنیای فوتبال ساحلی باز شود. بعد از آن عباس هاشم‌پور و اکتاویو مرا به طور دائم به تیم‌ملی دعوت کردند که این البته قبل از هر چیزی به دلیل لطفی بود که خدا به من داشت.

و حالا بعد از چهار سال، با تیم‌ملی ساحلی به عنوان قهرمانی در رقابت‌های قهرمانان قاره‌ها رسیده و بر بام دنیا ایستاده‌ای.

در این خصوص من وجود ندارد. این یک کار گروهی بود. همه با هم بودیم. از خانم شهریاری که فوتبال ساحلی موفقیت‌هایش را مدیون زحمات اوست تا اوکتاویو که نمی‌توان تلاشی که کرد و تأثیری که گذاشت را به راحتی و با چند جمله گفت تا تک تک بازیکنان که با جان و دل کار کردند و با غیرت برابر قدرت‌های دنیا ایستادند و موفق شدند.

یک قول‌هایی هم گویا در پی قهرمانی تیم‌ملی فوتبال ساحلی برای پرداخت پاداش داده شد؛ این قول‌ها عملی شده؟

یک مسئله خیلی مهم که دوست دارم بگویم این است که هیچ کدام از بچه‌ها برای پاداش و ماشین و این طور مسائل بازی نکردند. همه ما وقتی به میدان می‌رفتیم فقط به شاد کردن دل مردم و برافراشتن پرچم کشورمان بر بالاترین سکوهای جهانی می‌اندیشیدیم. به افتخارآفرینی برای ایران عزیزمان. اما خب یک قول‌هایی هم داده شد در خصوص دادن پاداش که امیدوارم اگر پاداشی هم می‌خواهند بدهند، در شأن بچه‌ها باشد.

تصور می‌کردید بتوانید از عهده تیم‌های بزرگی چون روسیه، برزیل یا ایتالیا برآمده و قهرمان شوید؟ آن هم در شرایطی که داوری‌ها هم سدی بود برابر تیم‌ملی کشورمان.

شاید باور نکنید اما این هدف بچه‌ها بود. هدفی که باعث شد بتوانیم از عهده قوی‌ترین تیم‌ها برآییم. تیم‌هایی مثل روسیه که بارها به عنوان قهرمانی رسیده بود یا برزیل و ایتالیا. البته خیلی تلاش شد با ناداوری بچه‌ها را به عقب‌نشینی وادار کنند اما هر بار ما جنگنده‌تر می‌شدیم. خب طبیعی هم بود آنها می‌خواستند در کشور خودشان قهرمان شوند اما ما نمی‌خواستیم این اتفاق بیفتد. این جام حق ما بود و سرانجام هم توانستیم آن را بالای سر ببریم و از این مسئله خیلی خوشحال هستیم.

اما می‌دانید که حالا انتظارات از شما خیلی بالاتر رفته است؟

بله، تا قبل از این ما همیشه به دنبال قهرمانی در آسیا بودیم. حالا اما با این قهرمانی باید به سکوهای جهانی فکر کنیم. از این به بعد برنامه‌ریزی‌ها باید حرفه‌ای‌تر باشد و امیدوارم برای رسیدن به عنوان‌ها و مقام‌های بهتر حمایت شویم. خوب می‌دانیم با این قهرمانی انتظارات مردم از ما بالاتر رفته اما این را هم می‌دانیم که مردم حق دارند از ما انتظار داشته باشند.

می‌گویند اوکتاویو برای تیم چیزی بیش از یک مربی بود و کارهای روانشناسانه انجام می‌داد؛ مثل جریان آن توپ‌های تنیس.

بله او فقط از لحاظ فنی بچه‌ها را کوچ نمی‌کرد. او یک روانشناس بود. او همیشه طوری با بچه‌ها صحبت می‌کرد که به خودمان مطمئن می‌شدیم که می‌توانیم. حتماً می‌توانیم و جای هیچ شکی باقی نمی‌ماند. آن توپ‌های تنیس هم یک راز بود بین اوکتاویو و بچه‌ها. گفته بود یک توپ تنیس همیشه با خودمان داشته باشیم که اسم افراد مهم زندگی خودمان و آنهایی که برایمان زحمت کشیده‌اند را روی آن بنویسیم. این توپ مثل یک بمب روحیه بود. همیشه آن را با خود به همراه داشتیم. یک انرژی مثبت بود.

یکی از اتفاقات جالب بازی‌های تیم‌ملی فوتبال ساحلی، عکس‌العمل‌ها و حرکات خاص و روحیه‌بخش پیمان حسینی بود که ما را یاد احمدرضا عابدزاده می‌انداخت؛ مخصوصاً گلزنی‌هایش. اینها روی برنامه یا فی‌البداهه بود؟

نه، ما روی همه حرکات و تاکتیک‌هایمان کار کرده بودیم. البته این مرسوم است که در فوتبال ساحلی دروازه‌بان‌ها گل بزنند اما ما روی این مسئله خیلی کار کرده بودیم. آقای اوکتاویو و هاشم‌پور همیشه از من و حاجی‌زاده می‌خواستند نیم ساعت زودتر از بقیه به تمرین بیاییم تا روی این تکنیک کار کنیم. من تقریباً در همه تورنمنت‌هایی که بوده‌ام گلزنی کرده‌ام اما فکر می‌کنم در این رقابت‌ها با دو گل زده و چند پاس گل که روی شروع مجدد هایم بود عملکرد بهتری داشتم. خصوصاً که چند مرتبه هم دروازه تیم‌ها را به شدت تهدید کردم اما این یکی از برنامه‌های تیمی ما بود نه یک کار شخصی.

دو روی سکه کرش و ولاسکو

نگاه

سعید احمدیان

به تیم‌هایی که با ایران در لیگ جهانی والیبال ۲۰۱۴ هم‌گروه شده‌اند یک نگاه بیندازید؛ برزیل، ایتالیا و لهستان، هر کدام از این تیم‌ها نام‌های بزرگی هستند و برای خودشان اعتبار و افتخاراتی دارند، به خصوص برزیلی‌ها و ایتالیایی‌ها که پرافتخارترین تیم‌های والیبال جهان هستند. این یکی از سخت‌ترین قرعه‌هایی بود که می‌توانست برای ایران از گلدان‌ها بیرون بیاید، با وجود این گروه سخت ولاسکو از آن استقبال کرده است.

به قول مساجدی مربی تیم‌ملی والیبال، ولاسکو همیشه تمایل دارد ایران با تیم‌های بزرگ بازی کند و حالا هم که در لیگ جهانی، والیبالیست‌های ایرانی با غول‌های دنیا قرار است روبه‌رو شوند او هیچ ترس و واهمه‌ای ندارد. نمی‌توانید مصاحبه‌ای از این مربی پیدا کنید که در آن ولاسکو گفته باشد که دوست ندارد شاگردانش با تیم‌های بزرگ بازی کند. او از همان ابتدای ورود به ایران و شروع کارش با تیم‌ملی والیبال، اعتقادش را عملی کرد و با مرور بازی‌های ایران در دو سال و نیمی که از آمدن ولاسکو به ایران می‌گذرد می‌توانید نام تیم‌های بزرگی را ببینید که ایران با آنها روبه‌رو شده است و بازی تدارکاتی برگزار کرده است.

نتیجه چنین بازی‌های تدارکاتی هم امروز مشخص است. والیبال ایران در عرض دو سال پیشرفت فوق‌العاده و حیرت‌آوری داشته و با عبور از آسیا حالا یکی از قدرت‌های والیبال دنیاست. درخشش در جام قهرمانان قاره‌ها و شکست تیم‌های بزرگی مانند ایتالیا و امریکا آخرین شاهکار شاگردان ولاسکو بود. همین نتایج بود که باعث شد تا در قرعه‌کشی لیگ جهانی والیبال ۲۰۱۴، نام ایران در بین هشت تیم برتر دنیا قرار بگیرد.

بخشی از این موفقیت را می‌توان به پای تفکر ولاسکو مبنی بر بازی تیم‌ملی والیبال با تیم‌های بزرگ دنیا گذاشت، تفکری که امروز میوه آن چیده می‌شود. ولاسکو اعتقاد دارد تیم‌ملی والیبال ایران برای اینکه در جمع تیم‌های بزرگ قرار بگیرد باید با غول‌های والیبال روبه‌رو شود و نگرانی از شکست مقابل این تیم‌ها ندارد و آن را در درازمدت به سود والیبال می‌داند. او اعتقاد دارد باید تن والیبالیست‌های ایرانی به تن ستاره‌های والیبال جهان بخورد. بازی با این تیم‌ها باعث می‌شود تا ترس والیبالیست‌ها از رقابت با نام‌های بزرگ به مرور ریخته شود.

این تفکر به خوبی در والیبال ایران جواب داده است و شاگردان ولاسکو در دو سال گذشته با رویارویی با تیم‌های بزرگ، دیگر ترسی از قرار گرفتن مقابل تیم‌هایی مانند برزیل، ایتالیا و روسیه ندارند. نمونه آخر آن هم دوباره همین مسابقات جام قهرمانان قاره‌ها بود. در حالی والیبالیست‌های ایرانی روبه‌روی تیم‌های بزرگ قرار گرفتند که به یک خودباوری رسیده بودند تا جایی که تلاش می‌کردند تا برزیل و روسیه را شکست دهند نه اینکه با اختلاف کم با این تیم‌ها ببازند. بازی با تیم‌های بزرگ علاوه بر اینکه باعث شده تا شاگردان ولاسکو ترسی از نام‌های بزرگ نداشته باشند سبب شده تا تجربه آنها هم بالا برود. به هر حال انجام چنین مسابقاتی است که تجربه بین‌المللی بازیکنان را بالا می‌برد تا آنها در بازی‌های بعد با تجربه‌تر و پخته‌تر به میدان بروند. این تجربه وقتی با استعداد والیبالیست‌های ایرانی و همچنین تفکرات مربی بزرگی مانند ولاسکو ترکیب می‌شود نتیجه آن می‌شود قرار گرفتن ایران در بین تیم‌های بزرگ والیبال دنیا؛ افتخاری با ارزش که در ورزش‌های توپی ایران بی‌نظیر است.

برخلاف ولاسکو، در فوتبال کرش تفکری برعکس سرمربی ایتالیایی دارد و همین باعث شده تا فوتبال ایران جهش و پیشرفت والیبال را نداشته باشد. کرش بر خلاف ولاسکو هیچ وقت از بازی با تیم‌های بزرگ استقبال نمی‌کند و آن را به سود ملی‌پوشان نمی‌داند. وقتی هم که با این سؤال روبه‌رو می‌شود که چرا از انجام بازی تدارکاتی با تیم‌های بزرگ ابا دارید می‌گوید شکست در این بازی‌ها می‌تواند به روحیه تیم ضربه بزند. با این تفکر است که فوتبال هنوز در سطح آسیا باقی ماند و آن سو والیبال با ولاسکو با تفکری برعکس کرش، به یکی از قدرت‌های بزرگ دنیا تبدیل شده است.

بهترین قرعه برای ایران چیست؟

همه دلنگران قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۱۴

جام جهانی

شیوا نوروزی

تنها دو روز دیگر به برگزاری قرعه‌کشی جام جهانی برزیل باقی مانده، خیلی‌ها دل تو دلشان نیست و منتظرند ببینند هم‌گروه‌های ایران در جام جهانی چه تیم‌هایی هستند. کارلوس کرش و دستیارانش بیش از همه نگرانند. از یک طرف نگران نداشتن بازی تدارکاتی، از یک طرف ترس از هم‌گروهی با برزیل، اسپانیا و آرژانتین و دلهره‌های دیگر که می‌تواند سرنوشت هر تیمی را تغییر دهد.

■ تیم ضعیف نداریم

نام آسیایی‌ها به همراه تیم‌های امریکای شمالی در گلدان دو قرعه‌کشی قرار دارد. این در حالی است که احتمال قرار گرفتن تیم‌ملی کشورمان با قدرت‌های اصلی فوتبال جهان در یک گروه نیز وجود دارد. با این وجود باید پذیرفت که در جام جهانی که بزرگ‌ترین آوردگاه فوتبال دنیا محسوب می‌شود تیم ضعیف وجود ندارد. بهترین تیم‌های اروپایی خود را به برزیل رسانده‌اند؛ بلژیک، کرواسی، فرانسه، یونان، هلند، روسیه، سوئیس، بوسنی، انگلیس، آلمان، ایتالیا، پرتغال و اسپانیا آمده‌اند در مصاف با حریفان خودنمایی کنند. اسپانیا مدافع عنوان قهرمانی بیش از همه برای رقبا کری می‌خواند و برای تصاحب دوباره جام دست به هر کاری می‌زند. آلمان مثل همیشه به قهرمانی فکر می‌کند، ایتالیا امیدوار است ناکامی‌هایش در این دوره به پایان برسد، کریستیانو رونالدو رؤیای قهرمانی پرتغال را در سر دارد، انگلیس که سال‌هاست جایی در میان تیم‌های برتر جام جهانی ندارد هم دست از خیالبافی برنمی‌دارد، لاله‌های نارنجی نیز از حالا خودشان را در جمع چهار تیم نهایی جام جهانی می‌بینند.

در امریکای جنوبی هم مدعی زیاد است؛ برزیل که ۱۰ پله با صدر جدول رنکینگ فیفا فاصله دارد میزبان است و مدعی. آرژانتین تیم دوم جهان با لیونل مسی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، اروگوئه تیم ششم و شیلی تیم پانزدهم دنیا هم تا آخرین لحظه می‌جنگند و کلمبیا و اکوادور را نیز نباید دست کم گرفت. شمالی‌نشین‌های قاره امریکا (کاستاریکا، مکزیک، هندوراس و ایالات متحده) برای خلق شگفتی به جام جهانی ۲۰۱۴ می‌آیند. نمایندگان قاره سیاه در ادوار برگزاری مسابقات ثابت کرده‌اند قدرت صعود به مراحل بعدی جام جهانی را دارند؛ الجزایر، ساحل عاج، نیجریه، کامرون و غنا تیم‌هایی هستند که از قاره آفریقا جواز صعود به جام بیستم را گرفتند.

و اما قاره کهن، ایران، استرالیا، ژاپن و کره‌جنوبی نمایندگانی هستند که باید از اعتبار فوتبال آسیا دفاع کنند، آن هم در رقابت‌هایی که برترین‌های دنیا گردهم می‌آیند. از میان این چهار تیم، ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها صعود به مرحله حذفی جام جهانی را تجربه کرده‌اند و حالا وقت آن رسیده که تیم‌ملی کشورمان هم این افتخار را تجربه کند. اولین تیم راه‌یافته به جام جهانی علاوه بر داشتن سرمربی کارکشته‌ای چون کارلوس کرش، بازیکنان سختکوش و متعصب هم در اختیار دارد. این روزها سایت‌های خبری ورزش جهان به تحلیل وضعیت تیم‌ملی کشورمان و تأثیری که لژیونرها در راه صعود به جام جهانی داشته‌اند، می‌پردازند.

قوچان‌نژاد و دژآگه به خوبی جواب اعتماد سرمربی پرتغال را داده‌اند، هم گل زده‌اند و هم پاس گل داده‌اند، آندو تیموریان، رحمان احمدی و خیلی‌های دیگر هم هستند که در برزیل این رؤیا را به حقیقت نزدیک کنند. البته نباید فراموش کرد که صعود به دور بعد به هم‌گروه‌هایمان نیز بستگی دارد. همانطور که اشاره شد احتمال هم‌گروه شدن با آرژانتین، برزیل، اسپانیا و آلمان در گلدان اول، فرانسه در گلدان سوم و ایتالیا، پرتغال، انگلیس یا هلند در گلدان چهارم نیز وجود دارد که در این صورت رسیدن به مرحله بعد تقریباً غیرممکن است. جمعه‌شب تکلیف گروه‌های هشت‌گانه جام جهانی ۲۰۱۴ معلوم می‌شود و همه می‌کوشند تا با شناسایی نقاط ضعف و قدرت رقبا به نتایج دلخواه برسند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگرچه بیشتر تیم‌های دنیا تکلیف بازی‌های تدارکاتی خود را تا قبل از جام جهانی مشخص کرده‌اند اما ما هم اگر همت به خرج دهیم می‌توانیم حریفان تدارکاتی خوبی برای خود دست و پا کنیم. به هیچ وجه نباید خود را از پیش بازنده بدانیم، شاید زورمان به خیلی از تیم‌های حاضر نرسد اما با ارائه بازی منطقی و حساب شده می‌توانیم پیشرفت فوتبال ایران را به معرض نمایش بگذاریم.